

شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج علی اکبری



حق السمع

جلسه دهم

۱۳۹۳/۰۳/۰۴

فهرست

- ایران، بهره‌مند از خوان کرم امام موسی کاظم (علیه السلام)
- سخن سالم چیست؟
- ۱. قرآن کریم
- ۲. دانش مفید و سودمند
- دانش، مقصد آفرینش
- دانش و دانش‌نما
- ۳. بشارت مرگ
- ۴. اذان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ایران، بهره‌مند از خوان کرم امام موسی کاظم (علیه السلام)

به محضر مقدّس مولایمان حضرت بقیّة الله الأعظم (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) شهادت مولایمان حضرت موسی بن جعفر (عَلَيْهِمَا السَّلَام) راتسلّیت عرض می‌کنیم. این روزها و شب‌ها، دل‌های مؤمنان معطر به عطر امام کاظم (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) و محزون در مصیبت امام عزیز و بزرگواری است که همه‌ی عمرش، به ویژه سی و پنج سال ایام امامتش را در حال مبارزه و جهاد خستگی‌ناپذیر، بدون وقفه، همراه با آوارگی‌ها و زندان‌ها بود؛ البتّه مبارزه‌ای همراه با تدبّر، سیاست‌ورزی، ارائه‌ی علم، حکمت، اخلاق و فضیلت که بر اثر آن، آثار ارجمند فراوانی برای جهان تشیّع، عالم اسلام و بلکه برای همه‌ی بشریّت به یادگار گذاشتند و مخصوصاً ایران عزیز ما را در سایه‌ی لطف و عنایت خاصّ خودشان قرار دادند. در فراز میهن اسلامی، شمسُ الشُّموس و خورشید درخشان، حضرت رضا (عَلَيْهِ السَّلَام) و در قلب میهن اسلامی، در قم عزیز و بزرگ، حضرت فاطمه‌ی معصومه (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا) و در جنوب میهن اسلامی هم حضرت احمدبن موسی (شاه چراغ) قرار دارد که حرم سوم اهل‌بیت در کشور ما محسوب می‌شود. از این رو امام کاظم (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) کشور ما را در

سایه‌ی لطفشان دارند و همه‌ی ما بر سر سفره‌ی کرامت آن بزرگوار هستیم. علاوه بر این، قبور بسیاری از نوادگان گرامی‌شان نیز در ایران قرار دارد که مایه برکت این کشور است.

روزهای آغازین خردادماه، یادآور آزادی خرمشهر و چهاردهم این ماه، یادآور رحلت امام عظیم‌الشان است که جلوه‌ی موسوی دیگری در این عصر بودند. امام راحل از این تبار پربرکت است و چه بسا امام ما، مصداق همان پیش‌بینی امام کاظم (عَلَيْهِ السَّلَام) باشند که مردی از قم برخواهد خاست و یارانی با دل‌های استوار و شخصیت‌های نفوذناپذیر او را همراهی می‌کنند؛ زیرا تا به حال در تاریخ چیزی بالاتر از انقلاب اسلامی نداشتیم که بخواهد مصداق این روایت نورانی باشد. نمونه‌ی روشن یارانی با دل‌های استوار نیز کسانی بودند که در ایستادگی برای نگاه‌داشت و فتح خرمشهر حضور داشتند.

ملت ما درس صبوری، استقامت، مبارزه و خسته نشدن در راه مبارزه و استقامت در راه خدا را از مکتب این امام عزیز گرفته است. امیدوارم که همچنان ملت عزیز ما با الهام از امام کاظم (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در تحقق اهداف الهی، مقاوم و صبور و خستگی‌ناپذیر باشند؛ ان شاء الله.

۱. امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: «جُلُّ مَنْ أَهْلُ قُمْ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثُرَ الْحَدِيدُ لَاتُرْهَمُ الرِّيحُ الْقَوَاصِفُ وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْتُنُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ مردی از اهالی قم، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند. گروهی با او هم‌پیمان می‌شوند که مانند پاره‌های آهن هستند، بادهای تند قدم‌هایشان را نمی‌لغزاند، از نبرد و دفاع ترسی ندارند و از آن خسته نمی‌شوند و توکلشان بر خدا است». محمداقرا

سخن سالم چیست؟

همه‌ی سخن ما درباره‌ی عبارت «فَوَهَّهٖ كَرِيْمَةً» است که حضرت فرمودند: فقط سخنان ارجمند و مفید و شایسته را بشنوید؛ زیرا شنیدن هر سخن و آوایی و پذیرش آن، هدیه فرستادن برای قلب و گذارسانی به روح است. از آنجا که قرآن کریم دستور می‌دهد: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ پس انسان باید به خوراک خود بنگرد»، شما وقتی می‌خواهید چیزی را بشنوید، باید بررسی کنید که آیا این شنیدنی، غذای سالم و شایسته و مفیدی است؟ ارزیابی داشته باشید و هر چیزی را گوش ندهید. خدای متعال بشارت داد به کسانی که «يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^۳ به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند» که «فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» همان به‌گزینی است.

عرض کرده بودیم که مؤمن مانند زنبور عسل است که بهترین‌ها را انتخاب می‌کند. پیامبر عزیزمان فرمودند: «المؤمن كالتحله تأكل طيباً و تضع طيباً»^۴ مؤمن مانند زنبور عسل است که چیز پاک (شیره گل) می‌خورد، و چیز پاک (عسل) تحویل می‌دهد». مؤمن، هم بهترین برداشت‌ها را دارد، هم شیرین‌ترین ارائه‌ها را. انسان مؤمن برای یافتن بهترین غذا برای روحش خوب تلاش می‌کند و نزدیک‌ترین راه را مصاحبت با خوبان، حکیمان، کریمان،

۲. عبس: ۲۴.

۳. زمر: ۱۸.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۳۸.

دانشواران و انسان‌های روشن و بصیر می‌داند؛ چراکه مصاحبت با انسان مؤمن خردمند، مثل مصاحبت درختان با بهار می‌ماند. انسان مؤمن در محضر علم و معرفت بیشتر ترجیح می‌دهد که ساکت باشد و بیشتر شنونده باشد تا گوینده. مؤمن حُسنِ اِسْتِمَاعِ، هنر و ادب شنیدن دارد. این ویژگی انسان مؤمن در مقام شکر است. برای استفاده از نعمت عظیم شنیدن نیز چون «بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ» است، یعنی گوش و قوه‌ی شنوایی ما راهی است به سوی قلب، انسان مؤمن نیازهای قلبی‌اش را از طریق شنیدن شایسته تأمین می‌کند.

اگر نیاز قلب ما به سلامتی است، باید سخن سالم بشنویم. اگر انسان مؤمن نیازمند دل نرم و رقیق و لطیف است، از طریق شنیدن یاد خدا یا آنچه که یاد خدا را در دل زنده می‌کند، آن را به دست می‌آورد. مؤمن، از طریق شنیدن موعظه و مصاحبت با انسان‌های بیدار و دریافت محبت از ذخایر محبت، دل نرم را فراهم می‌کند. اگر انسان مؤمن به دل وسیع، قلب بهره‌مند از فتح و گشادگی و شرح صدر نیازمند است، از طریق شنیدن آنچه که یاد خدا را در دل زنده می‌کند و از طریق شنیدن علم، دانش، دریافت دانش سودمند و حکمت به آنها می‌رسد. انسان مؤمن از طریق دریافت حکمت و دانش در پرتو یاد خدای متعال به دل استوار و محکم که همان ایمان و عقیده‌ی استوار است، دست پیدا می‌کند. خلاصه آنکه یکی از مهم‌ترین راه‌های غذارسانی به روح و قلب، از طریق شنیدن صورت می‌پذیرد.

سخن پایانی من در این مقدمه این است که کلمات و آواها وقتی با یک دل روشن همراه می‌شود و از یک مغز متفکر و از یک قلب خوش‌نیت و خوش‌دریافت صادر می‌شود، معجزه می‌کند که در امتداد سخنان امروز، بعضی از نمونه‌ها و مصادیقش را عرض خواهیم کرد. البته

انسان مؤمن تا رسیدن به یک مقام بسیار والا و بالا، نباید آرام بگیرد و آن مقام، مقامی است که بشارتش را به ما داده‌اند. اگر این مقام را هدف‌گذاری کنیم، به خودمان قیمت داده‌ایم. آن مقام شریف این است که انسان مؤمن در مسیر رعایت واجبات الهی و فرائض، و در امتدادش در رعایت مستحبات، به مقام شامخ دوستی با خدای متعال می‌رسد. اولی را قُرب فریضی می‌گویند و دومی را قُرب نافلی. یعنی انسان مؤمن وارد رفاقت و اُنسی با حضرت حق می‌شود که در پرتو آن به جایی می‌رسد که حضرت حق می‌فرماید: من چشم و گوش و اعضاء و جوارح او هستم! یک جمله از آن روایت مشهور این است: «كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ»^۵ من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود». واقعاً انسان به چه مقاماتی می‌رسد! گوش خدایی! تصوّرش هم واقعاً شوق‌انگیز و حقیقتاً بهجت‌افزا است. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی توفیق این هدف‌گذاری را به ما کرامت بکند.

۱. قرآن کریم

جلسه‌ی گذشته توفیق داشتم چند مصداق برجسته «فَوَهَّ كَرِيْمَةً» یا سخنان ارجمند را عرض کنم. باب این سخن گسترده است؛ منتها ما چند مصداق را بیان می‌کنیم.

۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

مصدق اول، شنیدن صدای خدای متعال بود که عبارت بود از شنیدن قرآن کریم که در این باره نکاتی را عرض کردیم که البته هرچه که بگوییم، حق مطلب ادا نمی‌شود. ما در آستانه‌ی مبعث خاتم انبیاء، محمد مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) قرار گرفته‌ایم که درخشان‌ترین شب و روز ماه مکرم رجب است. ان شاء الله خدای متعال به ما توفیق بدهد که این شب و روز بزرگ را درک بکنیم. رهاورد بعثت عبارت است از قرآن کریم و قرآن ناطق؛ دو دستاورد عظیم و دو یادگار گرامی بعثت که صدرش قرآن کریم است که به عنوان هدیه‌ی مخصوص بعثت از آن یاد می‌شود. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد هر روز اُنس مان با کلام الهی بیشتر شود.

یکی از بهترین راه‌ها برای برقراری این اُنس، شنیدن است؛ حتی خود پیامبر که دریافت‌کننده‌ی وحی است، مشتاق شنیدن است. در ماجرای که در جلسه قبل برایتان نقل کردم، پیغمبر به ابن مسعود می‌فرمودند: برایم قرآن بخوان، من دوست دارم قرآن را از غیر خودم بشنوم.

در این قسمت انسان باید سلیقه به خرج دهد و تلاوت‌های خوب را شناسایی و انتخاب کند، برایش وقت بگذارد، دل بدهد و صوت قاریان ارجمند را انتخاب کند؛ مخصوصاً اگر بتواند، در جلسات انس با قرآن کریم حضور پیدا کند. گام بعدی این است که هم‌زمان که می‌شنود، به معانی هم توجه داشته باشد. در این صورت ابواب تازه‌ای از علم و معرفت برایش گشوده خواهد شد. قرآن کریم، هم موعظه است، هم علم است، هم حکمت است، هم نور است، هم

ذکر است، هم عنایت است و هم رحمت است؛ لذا وقتی تلاوت می‌شود، هم‌زمان همه‌ی اینها بر قلب انسان مؤمن نازل می‌شود.

امام صادق(عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) نیز فرمودند: «زکات گوش، شنیدن دانش و حکمت و قرآن است».^۶

۲. دانش مفید و سودمند

اما مصداق دوم «فَوَهَّاهُ كَرِيمَةً»، که سخنان ارجمند و فرازمند و قیمتی است که باید به قلبمان هدیه بدهیم و به این ترتیب قلبمان را گرمی بداریم و توسعه و رشد بدهیم، عبارت است از دانش مفید و سودمند. معمولاً کلمه‌ی علم و حکمت را کنار هم استفاده می‌کنیم؛ چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»^۷ و به او کتاب و حکمت می‌آموزد».

بزرگ‌ترین حادثه‌ای که در عالم برای بشریت رخ داده، بعثت است. ما بالاتر از بعثت چیزی نداریم. راهی به علم الهی گشوده شده و خدای متعال انسان را مخاطب قرار داده و او را مُستفیض و مست فیض کرده از عنایات خاصّ خودش. تجلّی رحمت و عنایت و لطف

۶. مصباح الشریعه، ص ۱۷.

۷. آل عمران: ۴۸.

خاصّ پروردگار متعال، بعثت است؛ زیرا برای انسان‌ها نماینده‌ی مخصوص از بین خودشان انتخاب کرده و فرستاده است. اما رسالت بزرگ بعثت چیست؟ قرآن کریم می‌فرماید: پیامبر اکرم دو رسالت بسیار بزرگ دارد: یک، دانش و حکمت؛ دو، اخلاق. منظور از «بُزِکِّهِمْ»، اخلاق و منظور از «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۸ مسئله‌ی تعلیم است که میراث ارجمندی است که از طریق بعثت در اختیار بشریت قرار گرفته و بزرگ‌ترین ارثی که مؤمن از خودش در نسلش به جا می‌گذارد، دانش مفید و حکمت است. درباره اولیای خدا هم همین تعبیر زیبا وجود دارد. خود صاحب بعثت، خودش را این‌طور معرفی می‌کند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ؛ من شهر علم هستم». وصیّ خودش را هم که می‌خواهد معرفی کند، می‌گوید: «وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»^۹ و علی در آن است. هر که دنبال علم است، باید از این در وارد شود.

این تعبیر چقدر زیبا است! این نکته لطیف است که بزرگان ما - آنهایی که یادآوری‌های ویژه دارند - می‌گویند اگر می‌خواهید از دانش الهی نصیب ویژه داشته باشید، توسلستان به

۸. پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد. جمعه: ۲.

۹. این روایت با عبارات مختلفی همچون «أنا مدينة الحكمة و علی بابها فمن أراد الحكمة فليأت الباب» یا «أنا خزنة العلم و علی مفتاحه فمن أراد الخزنة فليأت المفتاح» یا «أنا مدينة العلم و علی بابها و هل تدخل المدينة إلا من بابها» و ... نقل شده است. جهت اطلاع از مصادر این روایت، رک: بحار الأنوار، باب أنه باب مدينة العلم و الحكمة، ج ۴۰، ص ۲۰۰ - ۲۰۷؛ إحقاق الحق و إزهاق الباطل و ملحقات آن، نوشته‌ی قاضی نورالله شوشتری، ج ۵، ص ۴۶۸ - ۵۰۴ و ص ۵۰۵ - ۵۱۵ و ج ۱۶، ص ۲۷۷ - ۳۰۰ و ص ۳۰۳ - ۳۰۹ و ج ۲۱، ص ۴۰۹ - ۴۲۸ و ج ۲۲، ص ۵۵۴ - ۵۵۶ و ج ۲۳، ص ۵۵۹ - ۵۶۱؛ موسوعة القدير في الكتاب و السنة و الأدب، ج ۷، ص ۸۷ - ۱۱۷. همچنین میرحامد حسین هندی تمامی مجلدات ۱۴ و ۱۵

کتاب خود، یعنی عباقت را به بحث درباره‌ی سند و دلالت این حدیث اختصاص داده است.

علی بن ابی طالب (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) و ذیل عنایت آن حضرت باشد که باب علم است و علم مفید را اگر می خواهید، از طریق آن حضرت تمنا کنید که یک جلوه و تجلی اش شده نهج البلاغه که چه می شود گفت درباره اش؟!

ائمّه ی هدی (سَلَامُ اللهُ عَلَيْهِم اَجْمَعِينَ) وقتی می خواهند خود را چنین معرفی کرده اند: «خَزَانُ الْعِلْمِ؛^{۱۰} خزانه داران دانش». یعنی به عنوان منابع علم معرفی شده اند که یکی از آنها، وجود نازنین و مقدّس حضرت موسی بن جعفر امام کاظم (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) است که در همان فرصت های اندکی که برای ایشان فراهم شد، آنچه که از این امام بزرگ جوشیده و تجلی کرده، علم و حکمت بوده است.

دانش، مقصد آفرینش

به ما هم خیلی صریح گفته اند که اگر دنبال خیر هستید، اصل هر خیری دانش است: «الْعِلْمُ اَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ؛^{۱۱} دانایی، ریشه ی همه ی خوبی ها است».

دانش با همه ی ویژگی هایش مقصد آفرینش معرفی شده است؛ یعنی هدف از خلقت آسمان ها و زمین این است که شما به دانش برسید؛ البته دانشی که عبارت است از شناخت قدرت

۱۰. زیارت جامعه کبیره.

۱۱. تمیمی آمدی، غرالحکم، ص ۴۸.

خداوند تبارک و تعالی: «لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»^{۱۲} تا بدانید که خدا بر هر چیزی توانا است، و به‌راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است. «این علم را چطور می‌شود به دست آورد؟ با شنیدن. تعلیم وظیفه‌ی عالم ربّانی است، و تَعْلَمُ وظیفه‌ی همه‌ی کسانی است که جویای دانش هستند.

امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در خطبه‌ی مشهور هَمَام درباره‌ی انسان متقی، در یک جمله‌ی کلیدی فرمودند: «وَقَفُّوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ» ویزگی مؤمنان است که گوششان را وقف دانش سودمند می‌کند. انسان متقی زیرکِ باهوش کسی است که سرمایه‌ی بزرگ شنیدن را وقف علم مفید و دانش سودمند می‌کند.

دانش و دانش‌نما

علت تأکید بر روی کلمه‌ی مفید و سودمند این است که همان‌طور که «دانش» وجود دارد، «دانش‌نما» هم وجود دارد؛ یعنی سلسله‌آگاهی‌هایی که مفید نیستند و هیچ سودی ندارند؛ نه سود دنیایی و نه سود آخرتی.

عزیزان بیننده‌ی ما عنایت دارند که در زمان ما، علمی که هیچ فایده‌ای ندارند و آگاهی‌های بی‌خاصیتی که به اسم آگاهی و علم بزرگ، بسته‌بندی و عرضه می‌شوند، خیلی زیاد شده است.

گاهی هم متأسفانه در دانشگاه‌های ما عرضه می‌شوند و به اسم دانش، وقت جوانان ما در دانشگاه‌ها ضایع می‌شود و از بین می‌رود.

معیار ارزشمند بودن دانش، سود و نفع است؛ یا سود دنیایی یا سود آخرتی.

گاهی وضع از این بدتر می‌شود و آن هنگامی است که مطالبی که به اسم دانش ارائه می‌شود، مضر باشد. به این جهت معمولاً در کلمات اولیاء خدا روی «علم و دانش مفید» تأکید شده است. اینجا هم باز مؤمن به‌گزینه است؛ یعنی در دانش و معرفت، سراغ بهترین‌ها می‌رود. انسان مؤمن یک دریافت‌کننده‌ی فعال علم و دانش محسوب می‌شود.

البته یک جمله‌ی پایانی هم درباره‌ی این بخش عرض کنم و آن اینکه یک فهرست بسیار طولانی و بسیار جذاب در کلمات اولیاء خدا راجع به فضیلت استماع و طلب علم داریم: طالب علم همنشین فرشتگان است، دوست پیامبران است، اگر در حالت استماع و دریافت علم از دنیا برود، شهید است، فرشته‌ها بالشان را زیر پای طالبان علم می‌گسترند^{۱۳} و امثال اینها که همه حکایت از ارجمندی دریافت علم مفید و سودمند دارد.

انسان مؤمن از طلب علم و از شنیدن دانش سودمند در همه‌ی عمرش سیر و خسته نمی‌شود: «وَلَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ دَهْرِهِ»^{۱۴} در عمر خود از دانش‌طلبی خسته نمی‌شود». طلب

۱۳. منتخب میزان الحکمه، ص ۳۹۸.

۱۴. ابن شعبه حرانی، تحف‌العقول، ص ۴۴۳.

دانش، یک خصلت همیشگی است و این‌گونه نیست که با مثلاً فارغ‌التحصیل شدن پایان یابد. انسان همیشه باید خودش را در معرض دانش قرار بدهد و به آنچه دارد، بسنده نکند و بداند که: «وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ»^{۱۵} و بالای هر دانایی، بسیار دانی هست». هر رتبه‌ای از دانش را را هم به دست آورده باشد، باز هم خودش را نیازمند به دانستنی‌های بهتر و بالاتر و والاتر بداند.

ما چقدر باید خدای متعال را شکر کنیم که مسلمان هستیم که دین علم است. چقدر باید شکر کنیم که پیامبر ما برافزنده‌ی پرچم دانش است. چقدر باید شکر کنیم که اولیاء خدا همه مخازن علم و معرفت الهی هستند. چقدر باید خدا را شکر کنیم که در کشوری زندگی می‌کنیم که رهبرش که از همین تبار است، پرچم علم و دانش را به دست گرفته است، هر وقت فرصت صحبت دارند خطابشان به مردم عزیز این است که دنبال علم برویم و باید کشور ما از جهت علمی خودش را بسازد و بهره‌ی خودش را از دانش فراوان کند. خدا را شکر می‌کنیم.

۳. بشارت مرگ

سومین شنیدنی که لازم است ما بشنویم و بسیار واجب است عبارت است از «دعوت مُردن». «صدای مرگ» خیلی شنیدن دارد. مرگ پنجره‌ای برای هر کدام از ما به روی عالم

بقا است. ما الان در محیط فانی و در محیط زندگی موقتی و کوتاه خودمان هستیم. مرگ، ما را به عالم بقا و جاودانه وارد می‌کند.

اینجا ما به دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌های تخریب‌گر، توقّف‌دهنده و غفلتی مبتلا هستیم که می‌تواند ما را از مزایای زندگی جاودانه محروم کند. یاد و صدای مرگ خیلی مغتنم و شوق‌انگیز است؛ زیرا یاد عالم بقا را در این محیط فنا در دل ما روشن و ایجاد انگیزه و حرکت می‌کند، شوق می‌دهد و پروازدهنده است. لسانُ الغیب می‌گوید: ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست / به امید سر کویش پر و بالی بزنم.

مرگ برای انسان مؤمن بالاترین بشارت است. مثل یک جام آب خنک و گوارا برای یک انسان عطشناک در اوج تشنگی‌اش است. از طرف دیگر بیدارکننده، پروازدهنده و آماده‌کننده است و به شما می‌گوید که مسافرید، می‌گوید که وقتت کم است، می‌گوید بنا نیست اینجا بمانی، به زیبایی پایدار فکر کن، به حقیقت جاودانی دل ببند. اَمَّا نَفْسُ مَا نَمِيْ خَوَاهِدُ بَشْنُوْدُ؛ چراکه «بَلْ تُحِبُّوْنَ الْعٰجِلَةَ وَ تَذُرُوْنَ الْآخِرَةَ»^{۱۶} [شما دنیای] زودگذر را دوست دارید، و آخرت را وامی‌گذارید». نَفْسُ مَا نَزْدِيْكَ رَا دُوْسْت دَارْد، می‌خواهد ما را به لهو و لعب و امثال اینها سرگرم کند که در قرآن کریم فراوان مطرح شده است.

در چنین جایی به ما گفته‌اند که باید دعوت مرگ را که بلندترین صدا در محیط زندگی شما است، به گوشتان بشنوید؛ چون نفس از شنیدنش اِبا دارد؛ چون می‌داند شنیدنش مسئولیت می‌آورد و ما را به یاد مسئولیت‌های بزرگ می‌اندازد. بنابراین شما باید به گوش دلتان این دعوت را بشنوید. با اینکه این صدا بلندترین صدا در زندگی است، بیشتر ما آن را نمی‌شنویم. قبر هر کسی هر روز او را صدا می‌زند و می‌گوید: من خانه‌ی تو هستم، به من فکر کن؛^{۱۷} اما کدام یک از ما می‌شنویم؟ فرشته‌ی موکل مرگ هر روز ما را صدا می‌زند، به ما نگاه می‌کند، ما را دعوت می‌کند. کسانی که از بین ما سفر کرده‌اند، ما را دعوت می‌کنند؛ یک دعوت بسیار جدی و مهم و سرنوشت‌ساز که اگر شنیده بشود، نفس ما رام می‌شود؛ اگر شنیده بشود، ما مہیای طاعت می‌شویم؛ اگر شنیده شود، از دلبستگی‌ها آزاد می‌شویم.

این چه دعوت حیات‌بخش و مغتنمی است؟! امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در نهج‌البلاغه این جمله‌ی بسیار مهم را دارند: «وَأَسْمِعُوا دَعْوَتَ الْمَوْتِ إِذَانَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَدْعِيَ بِكُمْ؛^{۱۸} دعوت مرگ را به گوش‌های [جان] خود بنیوشانید، پیش از آنکه فرا خوانده شوید». دعوت مرگ را بشنوید، معنایش این است که نفس نمی‌خواهد بشنود؛ لذا دعوت مرگ را به

۱۷. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی تکان‌دهنده فرمودند: «لَمْ يَأْتِ عَلَى الْقَبْرِ يَوْمًا لَأَتَكَلَّمَنَّ فِيهِ، فَيَقُولُ: أَنَا بَيْتُ الْغُرْبَةِ، وَأَنَا بَيْتُ الْوَحْدَةِ وَأَنَا بَيْتُ التَّرَابِ وَأَنَا بَيْتُ الدُّودِ؛ هیچ روزی بر قبر نیاید، مگر اینکه در آن روز زبان به سخن گشاید و گوید: منم غربت‌سرا، منم خانه‌ی تنهایی، منم خاکدان، منم خانه‌ی کرم‌ها». عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری، الترغیب و الترهیب، ج ۴، ص ۲۲۷.

۱۸. غررالحکم، حدیث ۲۴۹۲.

گوش‌هایتان بشنوانید. اصطلاح خودمانی‌اش می‌شود به گوشش فرو کن؛ یعنی نمی‌خواهد بشنود، لذا باید برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری شود تا قبل از اینکه مرگ برسد، دعوتش را بشنوید و دریافت بکنید.

این هم سومین صدایی است که ما باید بشنویم و سومین دعوتی است که باید دریافت بکنیم و یادمان باشد که: «فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ؛^{۱۹} کوس رحیل می‌نوازند».

معصوم (علیه السلام) در روایتی مشهور فرمودند: «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا؛^{۲۰} بمیرید پیش از آنکه بمیرید». یعنی این صدا و دعوت را دریافت کنید و نصیبتش را ببرید. نصیبتش سبکبالی، آزاد شدن، کریم شدن، آقا شدن، نجات پیدا کردن از چنگال حسد و بخل و کینه و امراض نفسانی است.

کافی است انسان باور کند که مسافر است. تمام بیچارگی‌های ما به خاطر این است که این دعوت را نشنیدیم و حواسمان به آن نیست. این دعوتی نیست که اجابتش اختیاری باشد. وقتی برسد، حتماً محقق می‌شود؛ بنابراین این هم یکی از مهم‌ترین مصادیق «فَوَهَّهَ كَرِيمَةً» است.

۱۹. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۴.

۲۰. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۵۹.

برای شنیدن این دعوت تلاش کنیم. اگر کسانی این صدا را به گوش آنها می‌رسانند، به آنها دل بدهند. اگر رفتن به زیارت اهل قبور برای آنها چنین تأثیری دارد، برایش وقت بگذارند و روی آن سرمایه‌گذاری کنند. صدای مرگ از آن دعوت‌های حیات‌بخش است؛ از آن دوری نکنیم.

۴. اذان

شنیدنی دیگری که باید به آن دل داد، اذان است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^{۲۱} ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید این برای شما بهتر است.»

شنیدن اذان در این آیه، اذان ظهر جمعه و فراخوانی است که برای نماز جمعه می‌شود؛ ولی هر اذانی، ندای ملکوتی و آسمانی است؛ چنان‌که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمودند: «بِلالٍ أَرِحْنَا»^{۲۲} بلال [با گفتن اذان] ما را راحت کن». اذان بگو و ما را آماده کن برای نماز و ما را از این آشفتگی‌ها و شلوغی‌ها نجات بده. چه دعوتی! شیرین‌ترین دعوتی که در این عالم به گوش کسی ممکن است برسد، دعوت به نماز است. شیرین‌ترین دعوت که

۲۱. جمعه: ۹.

۲۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۶۴.

دعوت به یاد خدا و در واقع، فرخوان است برای ملاقات و دیدار با خدای متعال. نماز دیدار با خدای متعال و فرصتی است برای ملاقات خصوصی با پروردگار متعال. این امکان بسیار فوق العاده و استثنایی برای ما فراهم شده که از رهگذر آن، هم می‌توانیم گذشته‌ی خود را جبران کنیم و بارهای سنگین را زمین بگذاریم، و هم می‌توانیم به گشایش و رحمت الهی دست پیدا کنیم.

در شلوغی‌های روزمره که مشغول زندگی هستید یا در خواب به سر می‌برید و یا در حال کار روزمره هستید یک‌باره این صدا بلند می‌شود که: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» چه تعبیر بلندی؟!

امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَام) در روایتی فرمودند: «كُنَّا جُلُوسًا فِي الْمَسْجِدِ، إِذْ صَعَدَ الْمُؤَدِّنُ الْمَنَارَةَ، فَقَالَ: "اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ" فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَكَيْنَا بِيكَايِهِ. فَلَمَّا فَرَغَ الْمُؤَدِّنُ قَالَ: أَتَدْرُونَ مَا يَقُولُ الْمُؤَدِّنُ؟ قُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَوَصِيَّهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ: لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يَقُولُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا فَلَقَوْلِهِ: "اللَّهُ أَكْبَرُ" مَعَانٍ كَثِيرَةً، مِنْهَا أَنَّ قَوْلَ الْمُؤَدِّنِ "اللَّهُ أَكْبَرُ" يَقَعُ عَلَى قَدَمِهِ وَأَزَلَّتِيهِ وَأَبْدِيَّتِيهِ وَعِلْمِهِ وَقُوَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ وَحِلْمِهِ وَكَرَمِهِ وَجُودِهِ وَعَطَائِهِ وَكِبْرِيَاءَتِهِ؛^{۲۳} در مسجد نشسته بودیم که مؤذن بالای گلدسته رفت و گفت: "اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ." امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) گریست و ما نیز از

۲۳. همان، ج ۲۴، ص ۱۳۱.

گریه او گریستیم. وقتی مؤذّن اذان را تمام کرد، امام فرمود: آیا می‌دانید مؤذّن چه می‌گوید؟ عرض کردیم: خدا و پیامبر و وصیّ او بهتر می‌دانند. فرمود: اگر می‌دانستید که چه می‌گوید، کم می‌خندیدید و بسیار می‌گریستید. "الله اکبر" مؤذّن معانی بسیار دارد؛ از جمله اینکه "الله اکبر" بیانگر قدیم بودن و ازلیّت و ابدیّت خداوند و علم و نیرو و قدرت و حلم و کرم و جود و عطا و کبریای او است.»

از خدای متعال توفیق مسجد رفتن را بخواهیم؛ زیرا هر وقت صدای اذان شنیده بشود، دعوت به نماز و سخن گفتن با خدای متعال است و بهترین شکلش این است که انسان برای اجابت دعوت خدای متعال به خانه‌ی خدا برود.